

گسترش فرهنگ وحدت اسلامي درمیان مسلمانان از منظر قرآن ، حدیث و قانون اساسي جمهوری اسلامي ایران

گسترش فرهنگ وحدت اسلامي درمیان مسلمانان از منظر قرآن ، حدیث و قانون اساسي جمهوری اسلامي ایران

د. محمدجواد ابوالقاسمي

چکیده:

يکي از دغدغه هاي بزرگ مصلحان جهان اسلام موضوع وحدت امت اسلامي مي باشد، به همين دليل صاحب نظران تلاش کرده اند تا ابعاد اين موضوع مهم را مورد بررسي قرار دهند و براي افزايش وحدت و کاهش اختلاف در بين امت اسلامي راه حل هايي ارايه دهند؛ به همين دليل مقاله حاضر با استفاده از آيات قرآن مجيد و احاديث وارد شده از سوي معصومين(ع)؛ موضوع را مورد مطالعه قرار داده است و بر 5 عنصر اساسي که جنبه فرهنگي دارد تأکيد نموده است که آن عناصر عبارت است از:

1. اهميت وجود رهبري الهي، شايسته و مقتدر در بين هر قوم، مذهب و مملکت براي اينکه بتواند با اقتدار خود زمينه هاي اختلاف را از بين ببرد و زمينه وحدت و همدلي را بين امت پديد آورد.

2. به رسميت شناخته شدن جا يگاه و مرجعيت علمي و معنوي اهل البيت(ع) به عنوان حافظان آئين و شريعت رسول گرامي اسلام(ص).

3. آگاهي بخشي و توجه دادن امت اسلامي به آثار شوم اختلاف و تفرقه و برکاتي که مي تواند وحدت و الفت بين مسلمانان داشته باشد.

4. فرهنگ سازی و تشویق امت اسلامی برای اهتمام به اخوت و برادری اسلامی.

5. افزایش بعد عاطفی و انسانی میان امت اسلامی و تشویق و تشجیع آنها به نیکوکاری و رسیدگی به امور مسلمانان و حتی غیر مسلمانان.

پس از بیان اصول فوق؛ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نمونه عملی مورد بررسی قرار گرفته است و اصول و موادی که برای تحقق تقویت وحدت در بین امت اسلامی به ویژه در میان گروه‌های سیاسی؛ دینی و مذهبی پیش‌بینی شده است مرور گردیده است.

بدیهی است کاربرد اصول ذکر شده و استفاده از تجربه مدون و قانونی جمهوری اسلامی ایران آنگونه که در قانون اساسی آمده است می‌تواند مورد استفاده دیگر ملل قرار گیرد.

مقدمه

همبستگی و پیوند امت‌ها موضوعی است که همه ادیان، مذاهب، فلاسفه و مصلحان جوامع مختلف به آن پرداخته‌اند و نسبت به عواقب شوم تفرقه هشدار داده‌اند و تا کنون هزاران مقاله و صدها کنفرانس برای تبیین ابعاد آن ارائه شده ولی احساس می‌شود هنوز راه طی نشده بسیار است و ضرورت دارد تا ابعاد مختلف کاویده شود و پیشنهادات راهبردی و کاربردی ارائه گردد؛ به همین دلیل سعی شد با استفاده از قرآن مجید و کلام معصومین(ع) نسبت به عناصری که بیشتر جنبه فرهنگی دارد و می‌تواند برای افزایش وحدت و همدلی در بین امت اسلامی کمک کند تأکید شود.

لذا در این مقاله، با مرور بر برخی از آیات قرآن و احادیث معصومین(ع) و بررسی اجمالی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک تجربه مدون در بین ملل مسلمان؛ جایگاه وحدت امت اسلامی و عناصر فرهنگی تقویت کننده آن مورد مطالعه قرار گرفته و نتایج آن ارائه شده است.

جایگاه و عناصر فرهنگی وحدت امت اسلامی از منظر قرآن کریم و احادیث معصومین(ع)

مقوله فرهنگ دارای گستره فراوانی است و شامل ابعاد مختلف فردی و اجتماعی می‌شود و از لایه‌های متنوعی برخوردار می‌باشد که در این نوشتار مجالی برای برای ورود به همه عرصه‌های آن نیست، لذا مسایل و ابعاد متنوع فرهنگ برای مخاطبان این مقاله مفروض گرفته شده است و تنها به موارد و مصادیق تاثیرگذار بر وحدت امت مسلمان تأکید شده است.

قرآن کریم، وحدت را موجب و عامل عزت، استقلال و استحکام امت‌ها میدانند و در سوره انفال آیه 46 می‌فرماید: «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ - وَ رَسُوْلَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فِتْنَةً شَلُّوا وَ تَذَهَّبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ / و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود، و صبر کنید که خدا با شکیبایان است». نکته دیگر آن است که در منطق قرآنی کسانی که در مسیر وحدت نباشند، خارج از امت اسلام به حساب آمده و از آنان باید بیزاری جست. به عنوان مثال در سوره انعام آیه 159 می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنْ زِمَّا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنذِرُ لَهُمْ يَمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ / کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و فرقه فرقه شدند، تو هیچگونه مسئول ایشان نیستی، کارشان فقط با خداست». آنگاه به آنچه انجام می‌دادند آگاهشان خواهد کرد». آنچه از آیه فوق استفاده میشود، این است که نقض وحدت، به معنای خروج از آیین و طریق اسلام است. [1] از منظر قرآن کریم وحدت عامل عزت و استقلال است و شرط دستیابی به وحدت امت اسلامی اطاعت از خدا و پیامبر(ص) و صبر و شکیبایی است، تا زمانی که مردم به تفرقه و پراکندگی مبتلا نشده‌اند و مسیر وحدت را می‌پیمایند اتحاد و انسجام جامعه برقرار خواهد بود.

همچنین با مراجعه به روایات و احادیث معصومین(ع) در می‌یابیم که مهم‌ترین موضوع از منظر ایشان وحدت، یکدلی و برادری است. در عصری که دشمنان اسلام سعی بر ایجاد نفاق و تفرقه در جامعه و بین امت اسلامی را دارند، توجه به بیانات گهربار و روحنواز معصومین(ع) یقیناً گرهگشا خواهد بود که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

1. در فرهنگ اسلامی وجود رهبری الهی و شایسته و مقتدر و تبعیت از ایشان به عنوان یکی از عناصر مهم در وحدت امت اسلامی مورد تأکید قرار گرفته شده است.

قال رسول الله(ص): إسمَعُوا وَ أَطِيعُوا لِمَنْ وَ لَاهُ الْأَمْرُ، فَإِنَّهُ نِظَامُ الْإِسْلَامِ. [2]

پیامبر اعظم(ص) فرمودند: از کسی که خداوند به او «ولایت امر» داده است، حرف شنوی و اطاعت داشته

باشید؛ چرا که این اطاعت نظامبخش اسلام است.

و در اهمیت رهبری الهی و شایسته به عنوان محور وحدت؛ امام علی(ع) می‌فرمایند: وَ مَكَانُ الْقَيْدِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النِّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ يَجْمَعُهُ وَ يَضُمُّهُ فَإِذَا انْقَطَعَ النِّظَامُ تَفَرَّقَ الْخَرْزُ وَ ذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَذَا فِيهِ أَبَدًا. [3]

امام علی(ع) فرمودند؛ جایگاه رهبر و سرپرست در اجتماع، جایگاه رشته‌های است که دانه‌ها را به هم پیوند داده و جمع میکند و آنگاه که رشته پاره شود، دانه‌ها پراکنده شده و هرگز تمام آن‌ها جمع نخواهند شد.

با توجه به آنچه بیان شد می‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم که وجود رهبران شایسته، الهی و مقتدر به شرط اینکه مردم از آنها پیروی کنند می‌توانند آتش تفرقه و اختلاف را در درون جوامع فرو نشانند و مانند پدری مهربان محبت و عشق به یکدیگر را در بین خانواده بزرگ مسلمانان افزایش دهند.

2. به رسمیت شناختن شأن و جایگاهی که پیامبر اکرم(ص) برای ذوی القربی و اهل بیت(ع) ترسیم نموده و در حدیث مشهور «الثقلین» آنها را به عنوان عدل قرآن برای حفظ و بقای اسلام معرفی نموده است می‌تواند قلب‌های امت مسلمان را به هم نزدیک‌تر کند و به برکت اهل بیت(ع) عنصر وحدت تقویت گردد.

قال رسول الله(ص): وَأَنْتُمْ (أَهْلُ الْبَيْتِ) أَهْلُ الْإِقْبَالِ عَزَّ وَجَلَّ الَّذِينَ بِهِمْ تَمَّتِ الذِّكْرَةُ وَاجْتَمَعَتِ الْفُرْقَةُ وَ اتَّخَلَفَتِ الْكَلِمَةُ. [4]

پیامبر اعظم(ص) فرمودند: شما اهل بیت، اهل اقبال هستید که به برکت شما، نعمت کامل گشته و پراکندگی برطرف شده و اتحاد کلمه پدید آمده است. در همین راستا دختر گرامی پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرماید:

«طاعتنا نظاما للملة و امامتنا لما للفرقة و الجهاد عز الاسلام». [5]

حضرت فاطمه زهرا (س) فرمودند: پیروی از ما اهل بیت، نظامبخش به امت و رهبری ما عامل وحدت و جهاد مایه عزت و سربلندی اسلام است.

3. آگاهی بخشی و توجه دادن امت اسلامی به آثار شوم اختلاف و تفرقه و برکاتی که می‌تواند وحدت و

افت بین مسلمانان داشته باشد «قال النبي(ص): الجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ و الفُرْقَةُ عَذَابٌ». [6]

پیامبر(ص) فرمودند: جماعت و وحدت، مایه رحمت الهی و تفرقه، موجب عذاب الهی است. و در مورد دیگر نسبت به آثار اختلاف هشدار می‌دهند و می‌فرمایند:

«قال النبي(ص): مَا اخْتَلَفَ اُمَّةٌ بَعْدَ نَبِيِّهَا الاَّ طَهَرَ اَهْلُهَا بِاطِلَالِهَا عَلَي اَهْلِ حَقِّهَا». [7]

- پیامبر اکرم(ص) فرمودند: هیچ امتی پس از پیامبرشان اختلاف نکردند؛ مگر آنکه گروه باطل بر حق گرایان چیره و مسلط شدند. و در همین راستا امام جعفر صادق(ع) جامعه اختلاف زده را ترسیم می‌کنند و می‌فرمایند:

«قال الصادق(ع): مَنْ فَارَقَ جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ وَ نَكَثَ صَفْقَةَ الْإِمَامِ جَاءَ اِلَى اِجْدَمٍ». [8]

امام صادق(ع) فرمودند: هر کس از جماعت مسلمین جدا شود و عهد و پیمان خود را با رهبر بشکند، دست بریده محشور خواهد شد. پیامبر اکرم(ص) هلاکت امت‌ها را در گرو اختلاف و تفرقه می‌دانند و می‌فرمایند:

«قال النبي(ص): لَا تَخْتَلِفُوا، فَإِنَّ مَن كَانَ قَبْلَكُمْ، اِخْتَلَفُوا فَهَلَكُوا». [9]

پیامبر اعظم(ص) فرمودند: اختلاف نکنید؛ آنان که قبل از شما بودند، اختلاف کردند و هلاک شدند. امام علی(ع) نیز نتیجه اختلاف را در این می‌بینند که باعث می‌شود امکان هرگونه تصمیم‌گیری صحیح در مسائل فردی و جمعی از بین برود و شرائط ناخواسته برجامعه تحمیل شود. «قال علي(ع): اَلْخِلَافُ يَهْدِمُ الرِّأْيَ». [10]

- امام علی(ع) فرمودند: اختلاف، «بنیاد و اندیشه درست» را در هم میریزد. همچنین امام علی(ع) می‌فرماید:

«إيّاكم و الفرقة فإنّ الشّاذّ منّ النّاس لَشَيْطَانٍ كما إنّ الشّاذّ منّ الغنّامِ». [11]

از تفرقه و اختلاف بپرهیزید؛ چرا که هر کس از دایره اتحاد و انسجام خارج شود، طعمه شیطان است.»

امام علی(ع) نه تنها در زمان حکومت، بلکه در همه حال به وحدت پایبند بودند، به عنوان مثال آن زمان که علی(ع) در مصدر حکومت قرار نگرفتند، بعضی حضرت را به شورش علیه حکومت فرا خواندند، امّا امام(ع) فرمودند:

«با اینکه من انتقاد جدّی نسبت به حکومت دارم، امّا بدانید در بین امّت پیامبر(ص) هیچ کس بیشتر از من به وحدت و اُلفت این امّت دل نبسته است». [12]

آن حضرت همچنین فرمودند: «به خدا سوگند، آن‌ها که دست از یاری یکدیگر بردارند، قطعاً شکست خواهند خورد». [13]

حضرت ریشه اختلاف را جهل می دانند و می‌فرمایند: «قال علی(ع): لَوْ سَكَتَ الْجَاهِلُ مَا اخْتَلَفَ النَّاسُ». [14]

امام علی(ع) فرمودند: «اگر جاهل سکوت میکرد، مردم اختلاف نمی‌کردند (سبب بسیاری از اختلافات، سخنها و رفتارهای ناآگاهانه است)».

ایشان در فرازی از خطبه 192 نهج‌البلاغه که به خطبه قاصعه معروف است به گذشته تاریخی اشاره می‌کنند و می‌فرمایند:

-«از حوادث و عذابهای وارد بر ملّتهای گذشته، بر اثر افعال ناشایست و کارهای بدی که انجام می دادند، پرهیز کنید و احوال خوب و بد آنان را به خاطر بیاورید و مواظب باشید که مانند آنان نشوید. وقتی در اختلاف حال آن‌ها دقّت کردید و نتیجه گرفتید، هر کاری را که به ملّتهای گذشته عزّت داده، دشمن را از آنان دور کرده، آسایش را به آنانی ارزانی داشته، نعمت را تسلیم آنان ساخته، احترام را به وحدت و جمعیت کشانیده است؛ باید تقویت کنید و آن را انجام دهید. این کارها پرهیز از اختلاف، حفظ روابط دوستی و کوشیدن در راه ایجاد آن و سفارش به حفظ دوستی است. از هر کاری که کمر گذشتگان را شکست و نیروی آنان را ضعیف ساخت، که عبارت است از کینه دلها، خشم سینهها، بیاعتنایی به یکدیگر

و به کمک هم نشناختن، پرهیز کنید».

4. فرهنگ سازی و تشویق امت اسلامی برای اهتمام به اخوت و برادری اسلامی. چون پیامبر اکرم(ص)

می‌فرمایند: «قال رسول الله(ص): الْمُسْلِمُونَ إِخْوَةٌ لَا فَضْلَ لِإِحْدٍ إِلَّا بِالتَّقْوَى». [15]

پیامبر اعظم(ص) فرمودند: مسلمانان با هم برادرند و هیچکس بر دیگری برتری ندارد؛ مگر از حیث تقوا.

در بیانی دیگر می‌فرمایند: «قال النبي(ص): خَيْرُ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ كَانَ مَالَفَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ

وَ لَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يَأْلَفُ وَ لَا يُؤْلَفُ». [16]

پیامبر گرامی(ص) فرمودند: بهترین مؤمنان کسی است که محور الفت و وحدت مؤمنان باشد. کسی که انس

نگیرد و با دیگران مأنوس نشود، خیری ندارد.

پیامبر گرامی اسلام(ص) رسیدن به ولایت الهی را در گرو حبّ فی الله و بغض فی الكفر دانسته‌اند و تصریح

نموده‌اند که از راه نماز و روزه و امثال اینها نمی‌توان مزه ایمان را چشید: «قال النبي(ص):

أَحِبِّ فِي اللَّهِ وَ أَبْغِضْ فِي الْكُفْرِ وَ وَالِّ فِي الْإِسْلَامِ وَ عَادِ فِي الْكُفْرِ فَأَنْزَهُ لَنْ تَنَالَهُ وَلَا إِلَا

بذَلِكَ وَ لَا يَجْرِدُ رَجُلٌ طَعَمُ الْإِيمَانِ وَ إِنْ كَثُرَتْ صَلَاتُهُ وَ صَرِيامُهُ حَتَّى يَكُونَ كَذَلِكَ». [17]

پیامبر اعظم(ص) روزی به یکی از اصحاب خویش فرمودند: در راه خدا دوست بدار و برای خدا دشمن بدار؛

برای خدا موالات و دوستی کن و برای خدا دشمنی کن؛ یقیناً جز با این، به ولایت خدا نخواهی رسید و

هرگز کسی طعم ایمان را نمی‌یابد، هر چند نماز و روزه‌اش فراوان باشد؛ مگر آنکه چنین باشد.

پیامبر عظیم‌الشأن اسلام هنگامی که می‌خواهند منشور برادری را اعلان کنند، می‌فرمایند: «قال رسول

الله(ص): أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَ إِنْ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ كُلُّكُمْ لَأَدَمٌ وَ آدَمٌ مِنْ

تُرَابٍ إِنْ أكرمكم عندا أتقیکم» و لیسَ لِعَرَبِيٍّ عَلِيٍّ عَجَمِيٍّ فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى». [18]

رسول خدا (ص) در خطبه حجة الوداع فرمودند: ای مردم، پروردگارتان یکی است، پدرتان هم یکی است. همه

شما از آدمید و آدم از خاک است. «گرامیترین شما نزد خداوند، با تقواترین شماست». عرب را بر عجم

هیچ برتری نیست؛ مگر به تقوا. و فرزند گرامیشان نیز تاکید می‌کنند که: «قال الباقر(ع): يَا مَعْشَرَ

الْمُؤْمِنِينَ تَأَلَّفُوا وَ تَعَاطَفُوا». [19] امام باقر(ع) فرمودند: «هان ای گروه مؤمنان، مأنوس و

متّحد باشید و به همدیگر مهربانی کنید».

5. افزایش بعد عاطفی و انسانی میان امت اسلامی و تشویق و تشجیع آنها به نیکو کاری و رسیدگی به امور مسلمانان و حتی غیر مسلمانان. این اقدام نگاهها را توسعه میبخشد و امت اسلامی را از چارچوبه‌های خودبینی و خویشتن‌بینی خارج می‌سازد و نگاهها را به افق‌های بلندتر معطوف می‌سازد و همین امر باعث می‌گردد که از زمینه‌های اختلاف کاسته شود و جامعه نسبت به همدیگر احساس مسؤولیت بیشتری بنمایند. «قال رسول الله(ص): مَنْ أَصْبَحَ وَلَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَا يَسْمَعُ مِنْهُمْ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَا يَجِيبُهُ فَلَا يَسْمَعُ بِمُسْلِمٍ». [20]

پیامبر اعظم(ص) فرمودند: «هر کس صبح کند، در حالی که به کارهای مسلمانان اهمیتی نمیدهد و به فکر مسلمین نیست، او از آنان نیست. و هر کس بشنود که کسی مسلمانی را به کمک فرا میخواند، ولی پاسخش را نمیدهد، مسلمان نیست».

امام باقر(ع) امت اسلامی را پیکر واحد می‌دانند و می‌فرمایند: «قال الباقر(ع): الم مؤمنون في تيارهم و تراعهمهم و تعاطفهم كمثل الجسد إذا اشتكى تداعي له سائرهُ بالسّهتر و الحامّي». [21]

امام باقر(ع) فرمودند: مؤمنان در نیکی و شفقت و مهربانی به یکدیگر مانند یک پیکرند، که اگر به عضوی از آن آسیبی برسد، تمام اعضا در تب و بیخوابی گرفتار آیند.

امام سجاد(ع) نیز امت اسلامی را یک خانواده بزرگ تلقی می‌کند و می‌فرماید: «قال الامام السجاد(ع): يا زهري، أما علايك أن تجعل المسلمين منك بمنزلة أهل بيتك، فتجعل كبيرهم بمنزلة والدك، وتجعل صغيرهم بمنزلة ولدك وتجعل ترابك منهم بمنزلة أهلك».

امام سجاد(ع) به زهري فرمودند: «ای زهري، چه میشود که مسلمانان را مانند اهل خانه خود دانی؛ بزرگ آنان را به منزله پدر خود و کوچکشان را به منزله فرزند خود و دیگران را به منزله برادر خود بدان».[22]

با عنایت به آنچه در فرهنگ اسلامی و در کلام پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) آمده حفظ اتحاد،

برادری و همبستگی در بین امت اسلامی اهمیت و جایگاه والایی دارد، در پناه وحدت امکان رشد، ترقی و شکوفایی همه ملّتها فراهم میشود.

اینک نمونه‌ای از ضمانت‌های قانونی که برای تحقق وحدت امت اسلامی در جمهوری اسلامی به مرحله اجرا در آمده و همه دستگاه‌ها موظف به اجرای آن می‌باشند ارائه می‌گردد.

وحدت امت اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از مبانی دینی است، وحدت امت اسلامی به عنوان یک اصل اساسی و زیربنایی مورد توجه قرار گرفته و بر پیشگیری از اختلاف و تفرقه میان مذاهب تأکید شده است.

اصل نهم قانون اساسی: «در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملّت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدش‌های وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند».[23]

بر اساس اصل بیست و ششم قانون اساسی: «احزاب، جمعیت‌تها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملّتی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمیتوان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت».[24]

با توجه به اینکه اقوام، زبانها، نژادها، ادیان و مذاهب مختلف در یک کشور میتوانند منشأ بروز تشکّات و پراکندگی در آن گردند، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران موازینی را به شرح ذیل برای تحقق وحدت ملّتی و جلوگیری از تجزیه‌طلبی تدارک دیده است.

بر اساس اصل نوزدهم قانون اساسی: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود».[25]

بنابراین در برخورداری از حقوق اجتماعی نظیر انتخابات، آحاد مردم از تساوی برخوردارند و نژاد و قومیت و زبان تأثیری در آن ندارد.

بر اساس اصل بیستم قانون اساسی: «همه افراد ملّت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند». [26]

بر اساس اصل دوازدهم قانون اساسی: «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است الی‌الابد غیرقابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل میباشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیّت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه رسمیت دارند و در هر منطقه ای که پیروان هر يك از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقرّرات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذاهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب». [27]

بر اساس اصل سیزدهم قانون اساسی: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیتهای دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آئین خود عمل میکنند». [28]

همچنین جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصل 14 قانون اساسی موظّف است با الهام از تعالیم اخلاقی اسلامی با سایر ادیان رفتار نماید.

بر اساس اصل چهاردهم قانون اساسی: به حکم آیه شریفه «لا ینهیکم انّ عن الذین لم یفآتلوکو فی الدین و لم یخرجوکم من ديارکم ان تبروهم تقسطوا الیهم ان ان یحب المقسطین» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظّف اند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنّه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند، این اصل در حقّ کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند». [29]

قانون اساسی حاوی این امتیاز است که ارزشها [30]، آرمانها [31] و نهادهای اساسی ملّت را به صورت مشخص، یکجا و مرتبط معرفی میکند، چنانچه این مجموعه طیّ فرآیندی از عقل و اراده جمعی بهره گرفته باشد بخش مهمّی از مبنای همبستگی و وحدت امّت اسلامی شکل گرفته است. قانون اساسی جمهوری اسلامی

ایران تا حدّ قابل قبولی با الگوی مطلوب انطباق یافته است. برای تعمیق این کارکرد باید محتوای اصول قانون اساسی روشن شود تا درک و فهم مشترک به صورت دقیقتر و واقعیت‌ر نهادینه شود. در چنین حالتی، پایه اصلی اتحاد در جامعه مردمسالار شکل میگیرد.

در کنار این مبانی اساسی، حوزه‌های متعدّدی در قانون اساسی مطرح شده که توجّه، پردازش و پرورش آنها میتواند ارزش همبستگی و اتحاد را حفظ و تقویت نماید. [32]

برابری و عدم تبعیض [33] یکی از ویژگی‌های حکومت قانون [34] است، در حکومت قانون، اعضای جامعه در برابر قانون از حقوق و تکالیف یکسان برخوردار میباشند و تبعیض ناروا [35] وجود ندارد. [36]

از منظر دیگر معیار اعطای حقوق یا مطالبه تکالیف، عنوان شهروندی است، هر عضو که بتواند رابطه شهروندی را با دولت ایجاد کند از کلیه حقوق (در برابر تکالیف) برخوردار میشود.

تقسیم عادلانه و برابر حقوق و تکالیف و توجّه به معیارهای مشترکی، چون حقوق شهروندی به شکلگیری هویت ملّی، انسجام و اتحاد کمک میکند، در حالی که هر چه نابرابری یا احساس آن رواج یابد، پیوندهای اتحادساز و انسجامبخش بین اعضاء و گروه‌های اجتماع کمرنگ و سست میشود. [37] در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (صرفنظر از برخی مباحث اختلافی) اصل شهروندی و تساوی حقوق مورد پذیرش قرار گرفته است. [38] حکومت قانون در قانون اساسی مورد تأکید است و عالیترین مقام کشور نیز مصونیت ندارد. [39]

علاوه بر همه اینها، در مقدمه قانون اساسی، به مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحوّل جامعه اشاره شده و قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در مراحل مختلف تصمیمگیریهای سیاسی و سرنوشتساز برای افراد اجتماع فراهم ساخته است. در اصل سوم قانون اساسی، مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش (بند 8) و همچنین توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم (بند 15)، مورد تأکید قرار گرفته که از مصادیق و الزامات وحدت امّت اسلامی به شمار میآیند. در اصل نهم نیز، وحدت و تمامیت ارضی کشور، همراه و همتراز با آزادی و استقلال، اجزای تفکیکناپذیر جمهوری اسلامی ایران هستند. در اصل بیست و ششم قانون اساسی، «عدم نقض وحدت ملّی»، شرط آزادی احزاب، جمعیتها و... است. [40] با توجّه به اصول مطرح شده در قانون اساسی میتوان ادعا کرد، در قانون اساسی جمهوری اسلامی، آزادی، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور مورد تأکید قرار گرفته و مردم از هر قوم و قبیله و رنگ و نژاد و زبانی از آزادیهای فردی و اجتماعی و

تقسیم عادلانه حقوق و تکالیف برخوردارند، و در تعیین سرنوشت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خویش به منظور توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین خود مشارکت دارند. همچنین احزاب و جمعیت‌ها نیز به شرط عدم نقض وحدت ملاب از آزادی کامل برخوردارند.

در همین راستا حضرت امام خمینی(ره) بیان می‌دارند:

«من تأکید میکنم که اسلام تنها پناهگاه همه ما است و در زیر پرچم پرافتخار آن همه گروه‌ها به حقوق خود میرسند. عوامل اجانب که منافع خود را در خطر میبینند، برای تحریک برادران اهل سنت، قضیه شیعه و سنتی را طرح کرده و میخواهند با شیطنت، اختلاف ایجاد کنند. در جمهوری اسلامی، شیعه و سنتی در کنار هم و با هم برادرند و در حقوق مساوی هستند و هر کس خلاف آن را تبلیغ کند، دشمن ایران و اسلام است و برادران اهل سنت باید این تبلیغات ضد اسلامی را در نطفه خفه کنند. [41] يك دسته از مسلمانان، شیعه هستند، يك دسته حنفي و دستهاي حنبلي و دسته ديگر اخباري. اصلاً این دستهبندیها از اول درست نبوده، در يك جامعه‌اي كه همه ميخواهند به اسلام خدمت كنند و براي اسلام باشند، این مسائل نباید طرح شود. ما همه برادر هستیم و با هم هستیم. منتهی علمای شما يك دسته فتوا به يك چیز دادند و شما تقلید از علمای خود كرديد و شديد (به عنوان مثال) حنفي؛ يك دسته فتواي شافعي را عمل كردند و يك دسته ديگر فتواي حضرت صادق(ع) را عمل كردند. این‌ها شدند شیعه. این‌ها دلیل اختلاف نیست. ما نباید با هم اختلاف و تضاد داشته باشیم. ما همه با هم برادریم. برادران شیعه و سنتی باید از هر اختلافی احتراز کنند. امروز اختلاف بین ما تنها به نفع آنهاست که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفي و یا سایر فرق. آنها میخواهند نه این باشد و نه آن. راه را این طور میدانند که بین شما و ما اختلاف بیندازند». [42]

حضرت امیر(ع)، ابوالائمہ، اول شخص اسلام بعد از رسول اللہ(ص) در طول مدّت عمرشان زجرها دیدند و در آن مدّت‌ي که اختلافات بین دستجات بود، ایشان آرامش را حفظ کردند، برای اینکه اسلام، محتاج به آرامش بود.

حضرت رضا (ع) در آن ابتلائی که داشت و در آن مصیبت‌های معنوی که برایشان وارد میشد، بدون اینکه اختلاف ایجاد کند، با آرامش، راه خود را پیش میبرد و مقیّد بود که آرامش ملّت را حفظ کند. ما همه باید اختلافات خود را عقلاً حل کنیم و نگذاریم منجر به سرو صدا و اختلافاندازی شود. فرصاً اگر کسانی بخواهند تحریک عواطف کنند، تکلیف ما این است که در مقابل آنها آرامش را حفظ نموده، سکوت کنیم. [43]

در پایان به کلام مقام معظم رهبری اشاره می‌شود که درباره مفهوم وحدت می‌فرمایند: «منظور ما از وحدت چیست؟ یعنی همه مردم یکسان فکر کنند؟ نه. یعنی همه مردم یک نوع سلیقه سیاسی داشته باشند؟ نه. یعنی همه مردم یک چیز را، یک شخص را، یک شخصیت را، یک جناح را، یک گروه را بخواهند؟ نه؛ معنای وحدت این‌ها نیست. وحدت مردم، یعنی نبودن تفرقه و نفاق و درگیری و کشمکش. حتی در جماعتی که از لحاظ اعتقاد دینی هم مثل هم نیستند، می‌توانند اتحاد داشته باشند، می‌توانند کنار هم باشند، می‌توانند دعا نکنند. [44] وحدت؛ یعنی بر گرد محورهای اصولی گرد آمدن». [45]

جمع‌بندی:

با توجه به آنچه بیان شد وحدت امت اسلامی از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد و در این زمینه آیات و روایت‌های فراوانی این مهم را مورد توجه قرار داده و برای تحقق آن راهنمایی‌ها و دستورالعمل‌های فراوانی صادر کرده است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز آن اوامر و دستورالعملها را مورد توجه قرار داده و بر همان اساس تنظیم شده و از این رهگذر برای تأمین و تضمین وحدت در بین امت اسلامی گام‌های استواری برداشته است که به برخی از آن اصول اشاره شد.

منابع و مأخذ

- 1- قرآن کریم
- 2- إربلب، علب بن عیسب (1381 هـ. ق). کشف الغمه فب معرفه الائمّه. تبریز: مکتب بنب هاشم.
- 3- بوشهری، جعفر (1376). مسایل حقوق اساسی. تهران: نشر دادگستر.
- 4- پابنده، ابوالقاسم؛ نهجالفصاحه.
- 5- حبیبی، سلمان (1387). کتابشناسی وحدت امت اسلامی و انسجام اسلامی. مجمع جهانی تقریب مذاهب

- 6- حرّ عاملب، محمد بن الحسن. وسائل الشيعة. لبنان: دارالحياة التراث العربي، بيتا.
- 7- حرّ انب، ابن شعبه(1384). تحف العقول. ترجمه احمد جنتب. تهران: چاپ و نشر بينالملل.
- 8- سبزيان، علي اكبر (1386). منشور وحدت امّت اسلامي و انسجام اسلامي. قم: نشر خادم الرضا.
- 9- صبحي صالح(1412 هـ .ق). نهج البلاغه. چاپ پنجم. قم: مؤسسه دارالهجره.
- 10- فاضل، خليل ا. وحدت ملاّب. فصلنامه مطالعات دفاعي استراتيژيك، شماره 5 و 6. تابستان و پاييز 1379.
- 11- كلينب، محمد بن يعقوب (1384 هـ .ق). اصول الكافي. بيروت: دارالكتب الاسلاميه.
- 12- كاستلز، استفان و ديويديسون، آليستر(1382). مهاجرت و شهروندي. ترجمه فرامرز تقيلو. تهران: پژوهشكده مطالعات راهبردي.
- 13- مجلسب، محمدياقر (1403 هـ .ق). بحار الانوار. چاپ سوم، بيروت: الوفاء.
- 14- محمد بن نعمان (شيخ مفيد)(1364). امالي. مترجم حسين استاد ولب. مشهد: بنياد پژوهشهاب آستان قدس رضوب.
- 15- الموسوي الخميني، روح ا (1361). صحيفه نور، مجموعه بيانات حضرت امام خميني(ره). تهران: مركز اسناد انقلاب اسلامب.
- 16- نجفي اسفاد، مرتضي و محسني، فريد(1379). حقوق اساسي جمهوري اسلامي ايران. چاپ اول. تهران: انتشارات بين المللب الهدب.
- 17- هندب، مبرمتقب (1405 هـ .ق). كنز العمال. بيروت: مؤسسه الرساله.

18- حدیث ولایت، مجموعه سخنان و بیانات رهبر معظم انقلاب. تهران: سازمان تبلیغات اسلام (1370).

19- قانون اساسی. چاپ بیست و چهارم. تهران: انتشارات آگاه (1382).

20- مجموعه مقالات همایش ملی «وحدت امت اسلامی؛ راهبردها و سیاستها»، مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک (1386).

[1]. مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره 5 و 6 ، ص 124-125

[2]. امالی مفید، ص 14

[3]. نهج البلاغه، خطبه 146

[4]. الکافی، ج 1، ص 6

[5]. کشف الغم، ج 2، ص 109

[6]. نهج الفصاحه، کلمه قصار 3

[7]. کنز العمال، ح 929

[8]. کافی، ج 1، ص 405

- [9]. كنز العمال، ج 894
- [10]. نهج البلاغه، حكمت 215
- [11]. همان، خطبه 127
- [12]. همان، خطبه 3
- [13]. همان، خطبه 34
- [14]. بحار الانوار، ج 75، ص 1
- [15]. نهج الفصاحه، ج 2، ص 311
- [16]. بحار الانوار، ج 71، ص 13
- [17]. وسائل الشيعه، ج 11، ص 440
- [18]. تحف العقول، ص 4
- [19]. الكافي، ج 2، ص 345
- [20]. وسایل الشيعه، ج 11، ص 9
- [21]. همان، ج 71، ص 234
- [22]. سبزيان (1386)، ص 46
- [23]. نجفي اسفاد و محسني، ص 131

[24]. همان، ص459

[25]. همان، ص463

[26]. همان، ص465

[27]. نجفی اسفاد و محسنی، ص465

[28]. همان

[29]. همان

[30]. Values

[31]. Ideals / Goals

[32]. مجموعه مقالات همایش ملی اتحاد ملّی؛ راهبردها و سیاستها (1386)، ص171-172

[33]. Non-Discrimination

[34]. Rule of Law

[35]. Unlawful

[36]. بوشهری (1376)، ص29-33 و نیز: Walker, Op.Cit., Law of Rule

[37]. کاستلز و دیویدسون، ترجمه تقیلو (1382)، ص266

[38]. اصل نوزدهم قانون اساسی: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود».

[39]. اصل یکصد و هفتم قانون اساسی: «... رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است».

[40]. مجموعه مقالات همایش ملی اتحاد ملّی؛ راهبردها و سیاستها (1386)، ص 195-196

[41]. سخنرانی 29/5/1358

[42]. صحیفه نور، ج 13، ص 54

[43]. سخنرانی، 4/10/1359

[44]. خطبه‌های نماز جمعه تهران، 1/2/1379

[45]. 24/1/77